

رسول پویان

سوگ و ناله

ز کین خیل تبهکار جنگ و کشتار است
دل همه به خدا زین شراره خونبار است
به جای هدیه نوروز و سفره هفت سین
گلوی کودک و مادر به حلقه دار است
به سنگ می شکنند خامه در کف انسان
در این زمانی که شب باوری بیدار است
پریده رحم ز دل ها و عقل کرده فرار
در آن دیاری که آدمکشی به خروار است
به درد و غم به نشیند کسی که دل شکند
خدا تباه کند آن کسی، دل آزار است
بهار عیش و طرب را به خون تر کردند
شکوفه غرقه بخون نسترن عزادار است
ز نای مرغ چمن سوگ و ناله بر خیزد
ز بس به دامن دل ها شرارت خار است
ز خون و جنگ مگو ای ستمگر دوران
دل از تفنگ و بم و انتحار بیزار است
به آه سینه طفلان بی پدر سوگند
که جای حامی طالب دوزخ و نار است
به نزد مردم و قاضی روز رستاخیز
همیشه طالب کشتار بیکس و خوار است
دل گرفت ازین سوگ و ماتم هر روز
خصوص وقتیکه درنوبهار بسیار است